

# مگز زلفا

دانشگاه فرهنگیان استان زنجان  
پردیس شهید بهشتی

نشریه دانشجویی

علمی - فرهنگی

فارسی - ترکی

شماره ۴/ آذر ۱۳۹۵

شماره مجوز: ۵۱۴۰۱/۱۲۴/۳۰۰

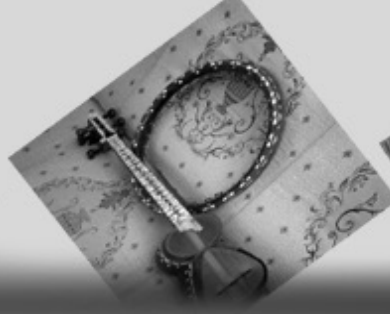
تاریخ: ۹۵/۳/۳



سه قطره خون



مصاحبه



مواضع



معرفی شهر ساجز



نشریه دانشجویی زنگنه / سال سوم / آذرماه ۱۳۹۵

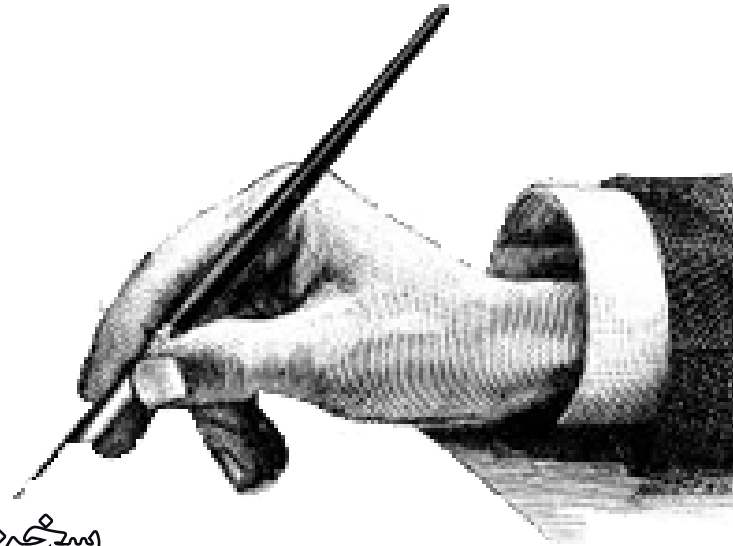


## عناوین این شماره

- ۱.....سخن مدیر مسئول
- ۲.....هویت زیر سلطه
- ۳.....سه قطره خون
- ۵.....درس هنر و سند تحول
- ۶.....تقلب
- ۷.....مصاحبه
- ۹.....سلیم
- ۱۰.....سجاس
- ۱۱.....معرفی کتاب
- ۱۱.....نامه به سیده زهرا
- ۱۲.....موغام
- ۱۳.....مولوی
- ۱۴.....لباس محلی آذربایجان
- ۱۵.....چیلله
- ۱۵.....زنگان یئمه لی لری
- ۱۶.....آموزش زبان ترکی
- ۱۷.....دل نوشته
- ۱۸.....ورود آقایان ممنوع
- ۱۸.....فولکلور
- ۲۰.....جدول
- ۲۱.....دئیم لر
- ۲۱.....دیه ک دئیمیه ک
- ۲۱.....نیایش



- |                   |                                                                                             |
|-------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| صاحب امتیاز :     | کانون ادبی استاد منزوی                                                                      |
| مدیر مسئول :      | احمد صاحب ناسی                                                                              |
| سردبیر :          | مرتضی شکرزاده ساریانلار                                                                     |
| هیئت تحریریه :    | حسین ترابی، محمد قهرمانی، میلاد دشتی، مصطفی معصومی، محمد حسن زاده، زهرا ایمانی، سمانه مقیمی |
| طراح جلد و لوگو : | فاطمه بیگدلی                                                                                |
| صفحه آرایی :      | فاطمه بیگدلی                                                                                |
| ویراستار :        | میلاد دشتی                                                                                  |
| روابط عمومی :     | محمد حسن زاده                                                                               |



## سخن مدیر مسئول

نشریه دانشجویی «زنگنه» وارد سومین سال فعالیت خود شده است و چهارمین شماره آن در زمانی منتشر می شود که دانشجویان با برگزاری ویژه برنامه هایی در دانشگاه های سراسر ایران ۱۶ آذر را به عنوان روز دانشجو گرامی می دارند. این روز که یادآور شهادت سه نفر از دانشجویان در راه مبارزه با استبداد و دفاع از آزادی و استقلال این سرزمین است نقطه عطفی در تاریخ جنبش دانشجویی ایران محسوب می شود. روز دانشجو را به همه دانشجویان ایران به ویژه دانشجویان پردیس های شهید بهشتی (ره) و الزهرا (س) دانشگاه فرهنگیان استان زنجان تبریک می گویم و امیدوارم در انجام رسالت بزرگ آگاه شدن و آگاهی بخشیدن به جامعه سربلند و موفق باشند و با عزم راسخ و نیت های خالص و با استعانت از خداوند متعال، کشور عزیزمان ایران را در رسیدن به قله های رفیع رشد همه جانبه در عرصه های علمی، فرهنگی و اجتماعی، صنعتی و زیست محیطی یاری رسانند.

همین جا لازم می دانم از دوست و همکار عزیزم جناب آقای سید حسین موسوی که در این دو سال زحمات مدیر مسئولی این نشریه را متقبل شده بودند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. همچنین جا دارد یاد کنم از تلاش های بی دریغ و خالصانه دانشجوی عزیز جناب آقای بهزاد ولی دو تپه که با تلاش ها و پی گیری های وی و دیگر دوستانش نشریه دانشجویی «زنگنه» به صاحب امتیازی «کانون ادبی شعر و موسیقی استاد منزوی» پردیس شهید بهشتی زنجان مجوز انتشار گرفت. او که اکنون دانش آموخته شده و به عنوان دبیر ادبیات فارسی در مدارس استان انجام وظیفه می کند، سردبیر این نشریه نو پا بود. برای ایشان و همه عزیزانی که تا کنون در انتشار این نشریه دخیل بوده اند آرزوی موفقیت و کامیابی روز افزون دارم.

احمد صاحب ناسی



# هویت زیر سلطه

بخشی از فرمایشات رهبر انقلاب در اراک سال ۷۹

یازار: مرتضی شکرزاده ساربانلار / تربیت بدنی



بردند - زبانش را از او گرفتند، الفبایش را از او گرفتند، کتابش را از او گرفتند، سابقه فرهنگی اش را از او گرفتند - این ملت آماده خواهد شد که هر چه می‌خواهند بر سرش بیاورند. این ملت دیگر جان پیدانمی‌کند؛ مگر این که شخصیت‌های برجسته‌ای در آن ظهور کنند. این بلا را بر سر بسیاری از کشورها آورده‌اند. محور سلطه در دنیا، امروز دستگاه‌های بسیار خطرناک و بسیار بی‌رحمی هستند که مجموعه کارتلها و تراستها - یعنی شرکتها و کمپانیهای اقتصادی - را در سرتاسر دنیا تشکیل میدهند و بیشترین تسلط را هم اینها بر دولت امریکا دارند. این که ما امریکا را یک دولت مستکبر می‌دانیم؛ این که ما وقتی می‌گوییم استکبار جهانی، به ذهن همه دولت امریکا خطور میکند؛ این به خاطر آن است که تسلط دستگاه‌های استکباریِ سودجویِ قدرت‌طلبِ زرسالارِ عالم بر آن حکومت از همه‌جا بیشتر است و همه ابزارهای علمی و تسلیحاتی و سیاسی آن دولت در راه استثمار ملت‌ها به کار میرود.

تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و از تسلط سیاسی هم خطرناکتر است. چرا؟ چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود. شما فرض کنید یک انسان اصیل نجیب خانواده‌داری که دارای نیاکان و خانواده بسیار باشرافتی است، اگر کسی بخواهد از او نوکری بگیرد، به آسانی نمیتواند؛ چون او به شرافت خانوادگی خود متکی است و حاضر نیست کارهای پست انجام دهد. راه این که بتوانند او را به کارهای پست وادار کنند و از او نوکری بیمزد و منت بگیرند، این است که شخصیت او را، خانواده او را، سابقه او را، هویت او را و تاریخ او را از یاد او ببرند تا فراموش کند کیست و چه شخصیتی دارد. آن‌گاه همه‌گونه میتوانند در او تصرف کنند؛ همه‌گونه میتوانند بر سر او دست دراز کنند. یک ملت نیز همین‌طور است. اگر یک ملت را از تاریخش، از گذشته‌اش، از فرهنگش، از شخصیتش، از مفاخر علمی و دینی و سیاسی و فرهنگی اش جدا کردند و از یادش





## سه قطره خون

مروری بر یکی از رویداد های مهم تاریخ معاصر ایران

یازار: احمد صاحب ناسی

به دنبال سرنگونی دولت قانونی مصدق، دولت برآمده از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مصمم بود تمامی مخالفت ها را سرکوب کند و واکنش بسیار تند نسبت به فعالیت های دانشجویی و وقایع آذر آن سال، حاصل چنین رویکردی بود. کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور که مرکز اجتماع و تصمیم گیری مخالفان حکومت پهلوی در خارج از ایران بود، روز ۱۶ آذر را روز دانشجوی نامید. دانشجویان از آن پس هر سال در این روز اعتصاب های دانشجویی به راه می انداختند و در واقع ۱۶ آذر ماه شاخص میزان نفرت از حکومت

شاه تبدیل شد و همچنان از اهمیت تاریخی برجسته ای در ایران برخوردار است.

شاه که پس از شکست کودتای اول مورخ ۲۵ مرداد ۳۲ به رم رفته بود، در پی وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و پس از سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق، در ۳۱ مرداد به تهران بازگشت.

در اوایل شهریور ۱۳۳۲ سرلشکر زاهدی نخست وزیر دولت کودتا، به آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرد که قصد دولت او بهبود وضع بین المللی ایران و تجدید مناسبات سیاسی با انگلیس است.

زاهدی برای غلبه بر «مشکلات مالی ناشی از متوقف شدن فروش نفت» از آمریکا تقاضای کمک فوری کرد.

آیزنهاور که به دو تقاضای مشابه دکتر مصدق در دی ماه ۳۱ و در خرداد ۳۲، پاسخ منفی داده بود، این بار لوی هندرسن سفیر آمریکا در تهران را که

از گردانندگان اصلی ستاد کودتا بود مأمور مذاکره با دولت زاهدی کرد.

دولت کودتا به رغم آگاهی از حاکم بودن احساسات ضد انگلیسی بر افکار عمومی، تجدید فوری مناسبات را در دستور کار خود قرار داد و برای کاستن از پیامدهای داخلی تصمیم خود، اجرای سیاست های گام به گام با تکیه بر ایالات متحده را در دستور کار خود قرارداد.

دولت های ایران و انگلیس در ۱۴ آذر ۳۲ تصمیم خود را مبنی بر «مبادله بدون تأخیر سفیر» اعلام داشتند. معرفی «دنيس رایت» به عنوان کاردار سفارت انگلیس در تهران همراه بود با نا آرامی ها و تظاهرات پراکنده ای در چند نقطه ی پایتخت از جمله بازار و دانشگاه تهران به وقوع پیوست و متعاقب آن عده ای از معترضان در این مکان ها دستگیر شدند.



دانشجو به حضور سرکوب گرانه نظامیان در دانشگاه، ارتشی ها برای دستگیری آنان وارد دانشکده فنی شدند. درگیری دانشجویان و نظامیان در دانشکده فنی اوج گرفت و نظامیان به سوی دانشجویان آتش گشودند و سه دانشجو به نام های مصطفی بزرگ نیا، آذر شریعت رضوی و احمد قندچی به ضرب گلوله کشته شدند.

در روز ۱۷ آذر همزمان با ورود نیکسون به تهران تمام دانشگاه های پایتخت در اعتصاب کامل به سر می بردند و وقتی که نیکسون برای دریافت دکترای افتخاری حقوق در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران حاضر شد یکی از مطبوعات در سر مقاله خود با عنوان «سه قطره خون» در قالب نامه سرگشاده ای خطاب به نیکسون، ضمن اشاره به سنت مهمان نوازی ایرانیان و رسم سر بردن یک قربانی در پیش قدم مهمان، نوشته بود: «آقای نیکسون! وجود شما آن قدر گرامی و عزیز بود که در قدم شما سه نفر از بهترین جوانان این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه را قربانی کردند».

چند روز بعد از ناآرامی های ۱۶ آذر، ورود دنیس رایست کاردار موقت بریتانیا در تهران که اتفاقا با محکومیت دکتر مصدق در دادگاه نظامی همزمان شده بود، نیز خشم و نارضایتی افکار عمومی را برانگیخت.

در ۴ بهمن همان سال علی سهیلی به عنوان سفیر ایران در لندن تعیین شد. سهیلی که پیش از تعطیلی کنسولگری های انگلیس در ایران در دی ماه ۱۳۳۰ و احضار وی به تهران، به عنوان سفیر ایران در لندن به سر می برد، همان کسی بود که هنگام خداحافظی با مقامات وزارت خارجه انگلیس در سال ۱۳۳۰ ایشان را به پایداری در برابر دولت ملی ایران و سرنگونی دولت مصدق تشویق کرده بود.

با اقتباس از سایت پرسمان دانشجو:

848/http://www.siasi.porsemani.ir/node

همزمان با بروز این ناآرامی ها، روز ۱۷ آذر به عنوان زمان ورود نیکسون معاون رئیس جمهور امریکا به تهران تعیین و اعلام شد. دولت ایالات متحده امریکا که پیش از آشکار شدن نقش مداخله جویانه اش در زمینه چینی سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق با شعار کمک به گسترش آزادی و پیشرفت اقتصادی و مقابله با گسترش نفوذ کمونیسم، توانسته بود روابط خوبی را به دور از قضاوت منفی افکار عمومی با دولت ایران برقرار نماید، اینک و برای اولین بار به عنوان یک «نیروی مداخله جو» نزد افکار عمومی در آمد. عدم همکاری قبلی این دولت در حل مشکلات مالی دولت دکتر مصدق و برقراری روابط حسنه با دولت سپهبد زاهدی بر تنفر افکار عمومی می افزود.

در روز ۵ آذر ۳۲ نیروهای نظامی و امنیتی شاه به منظور کنترل اوضاع و حفظ آرامش سفر نیکسون، در دانشگاه تهران مستقر شدند تا از هر گونه مخالفت احتمالی جلوگیری کنند.

در همین روز یکی از دربان های دانشگاه شنیده بود که تلفنی به یکی از افسران گارد مستقر در دانشگاه دستور می رسد «باید یک دانشجو را شقه کرد و جلوی درب بزرگ دانشگاه آویخت تا عبرت همه شود و هنگام ورود میهمانان خارجی صداها خفه گردد و جنبنده ای نجنبند».

انتشار این خبر در فردای آن روز بر جو ملتهب دانشگاه افزود.

در روز ۱۶ آذر نیروهای نظامی مستقر در دانشگاه، با ورود به دانشکده های پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم، عده زیادی را دستگیر کردند.

طبق روایت مهندس مصطفی چمران از شاهدان این واقعه در انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا، دستگیر شدگان به وسیله کامیون به نقطه دیگری منتقل شدند و رئیس وقت دانشگاه تهران از بیم ناآرامی های گسترده تر دانشگاه را تعطیل اعلام کرد. در پی اعتراض چند

آقای نیکسون! وجود شما آن قدر گرامی و عزیز بود که در قدم شما سه نفر از بهترین جوانان این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه را قربانی کردند».

# درسی هنر و سند تحول

یازار: حسین احمدی مقدم / علوم تربیتی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نگاهی عمیق و هوشمندانه نسبت به درسی هنر دارد. سند تحول بنیادین معتقد است تغییرات صورت گرفته در برنامه های درسی باید با محوریت فرهنگی و تربیتی باشد، برنامه آموزشی که از طرف نظام آموزشی کشور تدوین می شوند باید، بر اساس نگاه تربیت هنری به انسان باشد. توجه به تفاوت های فردی در درس هنر و دقت در کمیت ها با مبانی علمی میسر است. تربیت هنری را نباید مختص زنگ هنر بدانیم و فقط در ساعاتی مشخص به تربیت هنری دانش آموزان بپردازیم بلکه باید حتی در امور ساده آموزشی و پرورشی هم در پی تقویت حس زیبا شناختی دانش آموزان باشیم. همان طور که یکی از رسالت های نظام آموزشی کشور رشد علمی دانش آموزان است آموزش و پرورش علاوه بر رسالت رشد تحصیلی، رسالت هایی دیگری همچون: تقویت مهارت های اجتماعی، فردی، میان فردی و... را نیز بر عهده دارد که باید متناسب با آن برنامه های لازم را تدوین نماید. از جمله آرمان هایی که در سند تحول در دوره ی ابتدایی به آن می توان اشاره کرد عبارت انداز: خوب دیدن، خوب شنیدن و اندیشیدن است که این اهداف با داشتن برنامه ی تربیت هنری به راحتی قابل

دست یابی است. فعالیت های تربیت هنری، موجب رشد و توسعه ی همه جانبه فرد می شوند. فعالیت های هنری قلب و ذهن انسان را هماهنگ می کند، موجب تقویت یادگیری فرد می شود، فعالیت های هنری موجب می شوند که فرد بتواند مسایل و پدیده ها را بهتر سازماندهی کند. به عبارتی فعالیت های هنری زمینه و بسترهای لازم را برای تجربه کردن پدیده ها در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. هنر یاری دهنده ی معلم برای پرورش مهارت های فرایندی دانش آموزان است. برنامه ی درسی هنر می تواند به عنوان محوری برای ساماندهی دروس برای رسیدن به اهداف عالی باشد. در دوره ی ابتدایی به دلیل نبود معلم متخصص برای درس هنر، معلمان دیگر و بدون تخصص سر کلاس می روند که این امر موجب آسیب فراوانی به این بخش شده است. باید دوره های ضمن خدمت برای همه ی معلمان پایه ی ابتدایی قرار داده شود تا مهارت های لازم برای پرورش هنری دانش آموزان خود در کلاس های درس را به دست آورند. برنامه ی تربیتی و درسی هنر، نیازمند مبانی و معیارهایی است تا بتواند معضلات و مشکلات درسی و تربیتی را حل کند.

## جایگاه تقلب

# در نظام تعلیم و تربیت

یازار: حسین احمدی مقدم / علوم تربیتی

، تحقیر، طعنه و... ، برخورد منطقی در مقابل نقض قوانین کلاس (از جمله تقلب). با استفاده از سؤالات امتحانی در سطوح بالاتر از حیطه های شناختی - عاطفی و... به جای سؤالات عینی و کوتاه جواب و تکراری، تازمینه ی تقلب را محدود نماییم. فراگیران را برای گرفتن نمره ی خوب تحت فشار قرار ندهیم. ترس از رد شدن یا افتادن دروس را در افراد کاهش دهیم. مطالب درسی دانش آموزان و توقع برای یادگیری را، متناسب با توانایی ها و علایق آن ها تنظیم کنیم. کمک به دانش آموزان برای ایجاد این باور و نگرش که شاید تقلب کوتاهترین و راحت ترین راه برای نمره گرفتن باشد، اما بهترین شیوه برای یادگیری پایدار و همچنین آینده ای روشن در مسیر دانش و زندگی نخواهد بود. فراگیران را در همان اندازه که هستند بپذیریم و برای بهبود به اندازه توان تلاش نموده نه بیش از حد انتظار.

تقلب به عنوان یک مشکل در جامعه و به طور اخص در مدارس، بسیار از امورات تحت تاثیر قرار داده و می تواند زمینه ی بسیاری از ناهنجاری ها در اجتماع را فراهم آورد، البته نحوه ی برخورد و قرار گرفتن در مقابل مسئله، می تواند نتایج متفاوتی به همراه داشته باشد. برای از بین بردن یا کاهش تقلب، باید با زمینه و عوامل آن به طور منطقی و علمی برخورد کرد که از آن جمله: تقلب را برای افراد جامعه و دانش آموزان، نوعی حيله، نیرنگ، و دروغگویی و به طور کلی ضد ارزش معرفی نماییم. تقلب را به عنوان یک عامل تاثیر گذار بر ایجاد بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی معرفی کنیم تازمینه ی احساس درونی بد نسبت به تقلب در افراد به وجود آید. به دانش آموزان کمک کنیم تا به این نگرش و باور برسند که مسئول رفتارشان و عواقب آن هستند. به توانایی افراد اعتماد کنیم. تاکید بر نکات مثبت شخصیت دانش آموزان. گوش کردن فعال به صحبت های دانش آموزان و پرهیز از سرزنش



ضرورت تشکیل نهاد رهبری در دانشگاه

در گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین قره داغی

مصاحبه کننده: میلاد محمودی

## در دانشگاه فرهنگیان بحث ستاره دار شدن یا ستاره دار کردن کسی را نداریم و نخواهیم داشت

- هدف از تشکیل نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان و وظایف آن  
در دانشگاه چیست ؟

نهاد در دانشگاه ها بنا به نیازی که در دانشگاه ها برای اجرای برنامه های فرهنگی و مذهبی دیده شده بود و با مجوزی که از حضرت آقا گرفته شده بود در دانشگاه های مختلف ایجاد شد بنا به فرموده ی رهبر معظم انقلاب نیاز بود که نمایندگان ایشان در دانشگاه فرهنگیان حضور داشته باشند و به وظایف خود عمل کنند. وظیفه ی نهاد نمایندگی حضرت آقا این است که برنامه های مذهبی، فرهنگی و هیئت ها و ... دانشگاه را بر عهده بگیرد و طبق اساسنامه ی نهاد این وظایف یا باید توسط خود نمایندگان نهاد انجام گیرد. یا بر برنامه های یاد شده نظارت و حمایت داشته باشند.

مختصری از وظایف نهاد رهبری:

- بحث اقامه ی نماز و امور مساجد و نماز خانه ها

- برگزاری مراسم های مذهبی

- دعوت از روحانیون و اساتید برای سخنرانی در ایام های خاص

سال

- امور مربوط به تبیین احکام شرعی

- مراسم های گرد همایی

- برگزاری کلاس های آموزشی، متون دینی مثل تفسیر قران یا

نهج البلاغه

- تبیین فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

...



- حجت الاسلام والمسلمین قره داغی اخیراً کرسی های آزاد اندیشی برگزار شده

است چه نتایجی و پیامدی را در بر داشته است؟

بنابه وظیفه ای که بر گردن نهاد است و اهمیت قائل شدن رهبری به کرسی های آزاد اندیشی، لازم است بستری فراهم شود تا دانشجویان بتوانند در مباحث روزی که مورد نیاز جامعه است وارد شوند و نظرات خود را بیان کنند و اخیراً کرسی هایی با موضوعات شبکه های مجازی، ارتباط با امریکا (اری یا نه)، کمک به سوریه و لبنان (اری یا نه) حج (اری یا نه) برگزار شد و استقبال خوبی از این برنامه ها شد. اما ما به دنبال نتیجه نیستیم و هدف این است که دانشجو معلمان بیابند و نظرات خود را مطرح کنند و یک نفر کارشناس به عنوان ختم کننده ی مراسم باید باشد تا در نهایت خود دانشجویان انتخاب کنند اری یا نه؟ و یقیناً این فرایند ثمرات خاص خودش را نیز دارد.

- یکی از شایعات بین دانشجویان حراستی شدن یا ستاره دار شدن بعد از مراسم های

گرد همایی می باشد به همین دلیل اکثر دانشجویان در این برنامه به عنوان تماشاگر

حضور می یابند. شما در این مورد چه اطمینان خاطری به دانشجویان دارید؟

در دانشگاه فرهنگیان بحث ستاره دار شدن یا ستاره دار کردن کسی را نداریم و نخواهیم داشت. این برنامه ها به دستور مستقیم رهبر انجام می شود و دانشگاه در همه حال پشتیبانی عزیزان است و به دنبال این شایعات، بنده با جناب دکتر احمدی، سرپرست پردیس شهید بهشتی جلسه ای را تشکیل دادیم و در این مورد به نتیجه رسیدیم. بنده از طریق این نشریه اطمینان خاطر به دانشجویان گرامی می دهم که هیچ مسئله ی حراستی یا ستاره دار شدن بعد از این برنامه ها نخواهد بود.

- حاج آقای قره داغی به عنوان پدر معنوی دانشگاه که اگر حرفی یا توصیه ای به

دانشجویان دارید بفرمایید.

وقتی می گوئیم دانشجو معلم، یعنی کسی که وظیفه سنگین بر عهده دارد که حدیثی از امیر مومنان علی (ع) که می فرمایند: من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره. کسی که می خواهد معلم جامعه شود، ابتدا باید نیت خودش را خالص کند و اول باید خودش را تربیت کند سپس به سراغ جامعه برود. عزیزان من شما الان در محیطی هستی که فرصت درس خواندن دارید و بعد از مدتی باید وارد محیط آموزش و تربیت جامعه شوید. از شما می خواهم تمام تلاش خود را به کار گیرید و تمام مطالب را از قبیل موضوعات تربیتی، مخاطب شناسی و... را فرا گیرید تا بتوانید شغل انبیا را آنگونه که باید و شاید به جابیاورید و فرزندان انقلابی و توانمند و بر مبنای تمدن اسلامی تربیت کنید و حرف آخر اینکه همیشه با خدا معامله کنید نه با مردم چرا که اجر تان را از خدا خواهید گرفت.

بنا به فرموده ی رهبر معظم انقلاب نیاز بود که نمایندگان ایشان در دانشگاه فرهنگیان حضور داشته باشند و به وظایف خود عمل کنند.

بنابه وظیفه ای که بر گردن نهاد است و اهمیت قائل شدن رهبری به کرسی های آزاد اندیشی،

لازم است بستری فراهم شود تا دانشجویان بتوانند

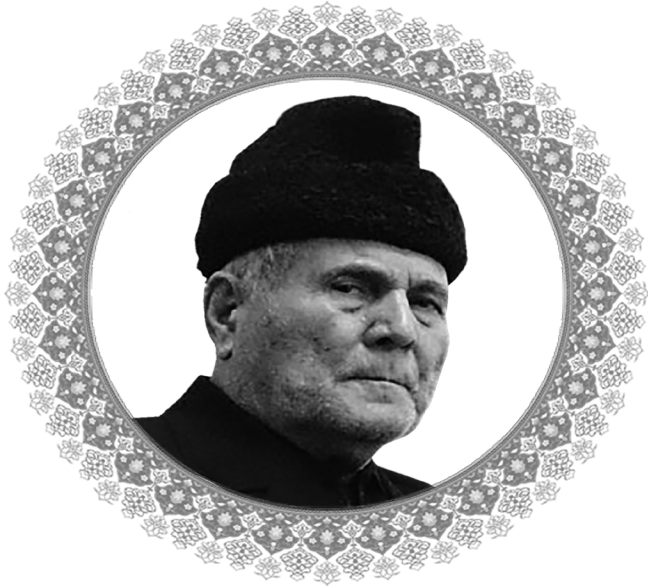
در مباحث روزی که مورد نیاز جامعه است وارد

شوند و نظرات خود را بیان کنند

وقتی می گوئیم دانشجو معلم، یعنی کسی که

وظیفه سنگین بر عهده دارد





## استاد سلیم مؤذن زاده اردبیلی

یازار: میلاد محمودی / علوم تربیتی

در سال ۱۳۱۵ خورشیدی و در محله تازه شهر اردبیل زاده شد. پدرش شیخ عبدالکریم مؤذن زاده اردبیلی نخستین مؤذن رادیوی ایران است و برادرش مرحوم رحیم مؤذن زاده اردبیلی نیز از مؤذنان نامی جهان اسلام بود.

وی بطور متوسط روزانه پنج ساعت از عمر خود را صرف مداحی کرده و بیش از دو هزار عنوان نوار کاست مربوط به برنامه‌های او از زمان پیدایش ضبط صوت تاکنون به زبان‌های ترکی، فارسی و عربی موجود است. صدای گیرا در خانواده مؤذن زاده اردبیلی موروثی بوده و همه فرزندان و نوادگان مرحوم شیخ فرج این موهبت الهی را از او به یادگار برده‌اند.

شیخ فرج، پدر بزرگ سلیم مؤذن زاده اردبیلی، قدیمی‌ترین مؤذن کشور است که اطلاعات مختصری از وی موجود می‌باشد.

به گفته سال خوردگان، صدای اذان وی را ساکنان روستاهای واقع در حاشیه سه فرسنگی شهر اردبیل سحرگاهان از بام مسجد زینال در مرکز شهر می‌شنیده‌اند.

شیخ عبدالکریم، فرزند شیخ فرج هم نخستین مؤذن در ایران است که نوای اذان دلنشین او شهرت جهانی دارد.

شیخ عبدالکریم در سال ۱۲۷۳ خورشیدی در محله "تازه شهر" اردبیل به دنیا آمد و تا سال ۱۳۲۱ خورشیدی نوای توحیدی او از مناره مسجد میرزا علی اکبر این شهر به گوش می‌رسید.

نعیم، سلیم، رحیم، محمود و داود پنج فرزند او نیز از مداحان اهل بیت و مؤذن‌های مشهور جهان اسلام هستند. شادروان رحیم مؤذن زاده اردبیلی نیز که اذان بی‌مانند او در دستگاه بیات ترک در فهرست آثار معنوی ایران به ثبت رسید چند سال قبل بر اثر بیماری دعوت حق را لبیک گفت.

استاد سلیم، درباره پدرش می‌گوید: او در سال ۱۳۲۱ خورشیدی به قصد زیارت بارگاه ملکوتی امام رضا عازم مشهد مقدس می‌شود و در بین راه شبی را در منزل یکی از دوستان خویش در تهران سپری می‌کند. از آنجایی که شیخ عبدالکریم عشق مؤذنی داشته سحرگاه به پشت بام منزل واقع در خیابان عین الدوله رفته و ندای توحیدی اذان را سر می‌دهد.

امام جماعت وقت مسجد سلطانی (مسجد امام فعلی) صدای اذان او را از دور شنیده و قبل از ظهر سراغ او را از تمام خانه‌های اطراف می‌گیرد. به او می‌گویند که شیخی از اردبیل آمده و در خانه "مطلب بلوری" میهمان است و با درخواست امام جماعت، ظهر همان روز "شیخ عبدالکریم" در پشت بلندگوی مسجد قرار گرفته و نوای ملکوتی "شهدان لاله الا الله" را به گوش مردم می‌رساند.

او پس از بازگشت از زیارت مشهد در تهران ماندگار شده و مؤذن مسجد سلطانی می‌شود بطوریکه تا سال ۱۳۲۹ خورشیدی که دارفانی را وداع گفت صدای اذان وی روزی سه بار از رادیو واقع در میدان ارک تهران پخش می‌شده است.

سلیم، صدای خوب در مداحی را از رشته‌های هنری ظریف توصیف می‌کند که ملاحظت، زیر و بم آهنگ، ادای کلام و تحریرهای مناسب لازمه این هنراست.

وی که خود علاوه بر حفظ روش‌های قدیمی، سبک‌های جدیدی با اصالت فرهنگی را در نوحه خوانی و مداحی ابداع کرده است او می‌گفت: صدای من در برابر صدای پدرم مانند قطره‌ای است در مقابل دریا.

استاد سلیم مؤذن زاده سال ۹۱ در همایش پیر غلامان حسینی در مصلی اردبیل علاوه بر زبان ترکی، فارسی و عربی به زبان انگلیسی هم مداحی کرد.

مؤذن زاده با معرفی خود به عنوان نوکر پیر آستان اهل بیت (ع) می‌گفت:

حنجره من یک موهبت الهی و وقف سیدالشهدا (ع) است و استفاده از آن در زمینه‌های غیر از این صحیح نیست.





پیشین می زیسته اند همگی حکایت از قدمت این شهر دارند. شخصیت های مختلف علمی و ادبی در دوران های مختلف تاریخی در این منطقه ظهور پیدا کرده اند؛ از جمله عارف مشهوری همچون شیخ رکن الدین سجاسی (متوفی به سال هفتم هجری قمری) که استاد شمس تبریزی می باشد که در شهر مظهر و سمل فرهنگ دوستی و تمدن باستانی شهر تاریخی سجاس می باشد که به همراه سایر عرفا و اساتید مثل شیخ ابونجیب سهروردی و قطب الدین ابهری و دیگران به دلیل وجود مراکز علمی و تصوف متعدد در بغداد به آنجا رفته اند. از دیگر شخصیت های شهر سجاس می توان شاعر گرانقدر شمس سجاسی، آقا شیخ احمد ابن آخوند ملا کریم سجاسی (متوفی ۱۲۳۹) که در درجه اجتهاد بوده اند و ... را نام برد...

از ابنیه تاریخی، مقبره امام زاده حضرت ابراهیم (ع) (متعلق به قرن چهارم هجری)، یکی از نوادگان ابوالفضل (ع) است. بنای قدیمی حرم در سال ۱۳۶۷ با کمک اهالی سجاس و اداره اوقاف بازسازی شده است. بنای قابل توجه دیگر، مسجد جمعه است که نمای بیرونی آن شبیه ستاره و گنبد بوده و از قدمت تاریخی زیادی برخوردار است. آثار قوس های فرو ریخته نشان می دهد که در اصل مجموعه کاملتری از شکل امروزی آن بوده است. گنبد این مسجد تک پوششی است و با آجر ساخته شده و تزئینات آن منحصر به نقش ستاره پنج پر است که به وسیله آجر ها شکل گرفته اند.

این مسجد از نظر گچ بری و کتیبه های موجود بسیار قابل توجه بوده و کتیبه ای در آن وجود دارد که به خط کوفی و متعلق به اوایل قرن پنجم است. این بنا تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی قرار دارد.



## معرفی شهر سجاس

یازار: مهدی گنج خانلو/علوم تربیتی

سجاس که امروزه به عنوان شهر شناخته شده است همچون سایر نقاط قدیمی ایران دارای سابقه ای طولانی و قدمت دیرینه ای می باشد. در رابطه با وجه تسمیه کلمه سجاس مطالب عامیانه مختلفی وجود دارد که از جمله می گویند سجاس از "سی جاس" یا "سه جاس" گرفته شده است. یا در موردی دیگر که گفته شده از کلمه سجن است و ....

به هر حال وجه تسمیه کلمه را باید بر اساس قوانین زبان شناسی جستجو کرد که "سو" در زبان ترکی آذری به معنای آب و "کاس" معادل "کاخ" می باشد. بنابراین می توان گفت سجاس در ترکی یعنی کاخی در کنار آب. از طرفی وجود سجاسرود در کنار سجاس چنین معنایی را صحیح تر می نمایاند و لذا "سوجاس" را می توان معرب کلمه سو "کاس" دانست. حمداله مستوفی در نزهت القلوب در توضیح سجاس و سهرورد می نویسد: "در اول دو شهر بودند و در فطرت مغول خراب شده اند، ولایت سرد سیری است و حاصلش غله و اندکی میوه باشد. به طور قطع می توان گفت که ساختمان سجاس در حدود ۱۱۰ میلادی ساخته شده است. شواهد موجود از جمله مسجد جامع با قدمت بیش از ۹۰۰ سال، مسجد جمعه باز مانده از عهد سلجوقیان، گورستان امامزاده ابراهیم (حدود ۲۰۰ ه.ق)، گورستان شهدای جنگ با مغولها مربوط به قرن پنجم، حمام قدیمی و همچنین وجود افراد سرشناس که در سده های





یئددی نامه

معرفی کتاب

یئددی نامه  
۷

[هفت نامه]

مؤلف:  
میرزا صادق اورادی مانشانی  
(قرن ۱۳ هجری قمری)  
مترجم:  
میرزا حسن زاده / علوم تربیتی

کتاب یئددی نامه [هفت نامه] اثر میرزا صادق اورادی مانشانی قرن ۱۳ هـ ق که توسط علی محمد بیانی تدوین و تصحیح شده است. کتاب با تحمیدیه آغاز میشود و در باب «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» سرود شده است. عشاق «یئددی نامه» عبارت اند از لیلی و مجنون، وامق و عذرا، اصلی و کرم، روشن (کور اوغلو) و نگار، یوسف و زلیخا، فرهاد و شیرین، سلیمان و بالقیز.

در این کتاب، با ابیات ترکی از «عباس خان افشار» و با شاعری با نام «نگاری» آشنا میشویم که میرزا صادق اورا استاد خود میدانند؛ و نیز هفت بیت شعر از شیخ اشراق سهروردی که یک بیت آن عربی و شش بیت دیگر ترکی قدیم میباشد.



نامه ای به ...  
خواهرم سلام

یازار: محمد حسن زاده / علوم تربیتی

ببخش که مزاحم اوقات شدم. راستش دراز کشیده بودم و مروری بر اتفاقات سال گذشته میکردم که تو را هم در آن حوالی دیدم. یاد آن روزهایی افتادم و ... و خواهرم این دنیا که خیلی زیباست واقعاً چرا رفتی؟؟ مگر این دنیا چه بدی داشت؟؟ مگر اجباری در این دنیا بود؟؟ اجبار در پوشش اجبار در نگرش بر ایمان از اون ور بگو. اون ور هم مثل اینجا زیباست؟؟ همه خیر خواه هم اند؟؟ در کارهای خوب همه از هم سبقت می گیرند؟؟ راستی اون ور رفتی آرزو هایت که نقش بر آب نشد؟؟ مثل دانش آموزی که آرزو داشت دانشجو شود که نشدی؟؟ این که آرزوهای آدم جلوی چشمانش پر پر شود سخته، نیست؟ راستی مواظب باش به اسم بهشت نبردند دوزخ!! خلاصه سعی کن اسم های دهن پر کن فریبت ندهند! خیلی از اسم ها فقط اسم اند- و در واقعیت مسماایی ندارند- یک مشت دروغ بیش نیستند! این ور که هم بودی از این اسم ها تجربه کرده ای! دانشگاهی که دانشگاه نبود! خودت که میدانی چه میگویم پس توضیح ندهم بهتر است.

وضعیت رفاهی اون ور چه طوره؟؟ همه چیز بر وفق مراده؟؟ صبحانه ی نخورده ات که ۲۰۰۰ تومان هزینه ندارد؟؟ اگر هم دارد حتماً با کیفیت است و متنوع! از خوابگاه های آنجا بگو. فکر کنم همه چیز ایدآل باشد: اتفاقی با تمام امکانات که فقط سرعت اینترنتش امان آدم را می برد؛ از بس که سرعتش زیاد است. بالاخره آن ور که این ور نیست؛ آن ور باید قاعده و قانونی داشته باشد. بهشت هم همینطوری خلق نشده که. اصلاً ما هم خواهیم آمد و اگر قسمت شد از نزدیک خواهیم دید. بگذار کمی هم از خودمان بگویم از الانمان که برایت خاطره شده. ما هم هستیم و از آن موقع که تورفتی و ما جو گیر شدیم، اتفاق خاصی نیفتاده. فقط فانی بودن بعضی پست ها را دیدیم و آشتی بعضی افراد را با وزارت. البته آن هم اتفاق خاصی نیست و الکی امیدوارت نکنم! دانشجویان هم همه خوشحال اند؛ بعد از اینکه دانشجویان فارغ التحصیل شده از حال و روز شان خبر دادند، ما همه دیگر به وضعیت الان مان خرسندیم. قبلاً منتظر سرو صدا ماندیم ... پس آرام تر بخوان تابی سر و صدا امسال را هم بگذرانیم. تو آسوده خاطر باش؛ ما خوابیده ایم، و خواب مان هم سنگین شده؛ هیچ چیز هم نمی تواند بیدارمان کند؛ نه فریاد دوستانمان، و نه حتی صدای استاد سر کلاس! راستی یادت می آید مسئولی در یزد ساعت ۱ شب وعده های شیرین میداد همه ی آنها عملی شد ریز به ریز. موبه مو.

خواهرم دیگر سرت را به درد نمی آورم چون بعد از آن هم نوبت سر من است که درد کند و کمی بیپسجد. خواهرم آن ور آسوده باش و آزادانه حرف بزن. نگذار آنجا هم اینجا شود. من هم بروم دنبال جرعه ای امتیاز برای سال بعد.

خدایا مرز دزدت خواهر

بازار: هاشم سیفی جمادی / علوم تربیتی



موسیقی موغام مختص کشورهای شرقی نظیر ایران و آذربایجان است که ریشه در آداب و سنن مناطق دارد. در بحث موسیقی موغام دو ملت و قوم هستند که آنرا دقیق و آکادمیک دنبال می کنند، ایران و آذربایجان.

موغام به ویژگی منطقه و فرهنگ برمی گردد و این نوع موسیقی پایه ی مشترک در کشورهای بهره مند دارد منتها به نام های مختلف خوانده می شود. در هند موگا، در ایران موسیقی مقامی و در ترکیه مکام که ریشه آنها در کلمه ماکام عربی است.

موغام (موسیقی کهن ملی آذربایجان) به علت علاقه ی خاص این ملت به آن و زیبایی عمیقش، همچنین پیوند آن با ادبیات و شعر

عاشیقی تکامل زیادی یافته است. این نوع موسیقی در سال ۲۰۰۸ به عنوان میراث فرهنگی بشر توسط یونسکو به ثبت رسیده است. پروفیسور رامیز زهراب اف موغامات را اکسیر درک جهان هستی معرفی کرده و میگوید: موغامات از احساسات پاک مردم آذربایجان سرچشمه می گیرد و یکی از باارزش ترین میراث فرهنگی مردم آذربایجان است. اصلی ترین آلات موسیقی در موغام تار، کمانچه و قوال می باشد.

موسیقی آذربایجان به سه دسته تقسیم می شود: ۱. ملی حرفه ای ۲. شفاهی حرفه ای ۳. آشیقی

قبل از به وجود آمدن سیستم ۱۲ دستگاهی،

موسیقی سنتی تحت عنوان مقام های مختلف شناخته می شد. در ترکیه و بعضی از کشورهای عربی مقامات هنوز اساس موسیقی کلاسیک آنها هستند. مقام معرف تعدادی اصوات و فاصله بین آنها و نقشی است که بعضی اصوات در ساختار ملودیک بر عهده دارند. تاریخ آموزش موغام در آذربایجان شامل دو دوره قدیم و جدید است. در دوره قدیم رساله های متنوعی به چشم می خورد که بیشتر آنها در سده های هشتم و نهم شمسی نوشته شده اند. موضوع بحث اکثر این رساله ها بر روی لاد (کلمه روسی به معنای مقام یا مود) و ریتم است.







دستگاه: مجموعه گوشه هایی که از نظر حس و حال و قواعد موسیقی به ترتیب اجرا می شوند. هر دستگاه شامل تعدادی گوشه است که توسط استادان مختلف به شکل های متفاوت ولی بسیار مشابه ثبت شده اند. دستگاه در موسیقی در حکم عروض و قواعد آن در شعر است. گوشه: قطعاتی جدا و در عین حال مربوط به هم که از پیوستن آن ها به هم دستگاه ها به وجود می آیند و در یک کلام، بدیهه نوازی در موسیقی می باشد.

رنگ: از دیگر فرم های مربوط به موسیقی که در فرمی موزون و بدون کلام ایفا می شود. معمولاً در آخر اجرای یک دستگاه به اجرا در می آید.

موسیقی عالمین، تاجی دی، سلطانی موعام  
جان وثریر جانیمیزا چون اوژی بیر جاندی موعام  
نطقی وار، هم، دم عیسی کیمی واردیر نفسی  
اٹله بیل ظاهری سس، باطنی انسانی موعام

دستگاه های موسیقی موعام نقطه اوج موسیقی فولکلوریک آذربایجان هستند. با استناد به اشعار نظامی معلوم می گردد که موعام به شکل دستگاه در آن زمان به کار برده می شده است. می توان به این نتیجه رسید که دستگاه های موسیقی موعام فرم کامل شده و کلاسیک موسیقی شفاهی آذربایجان اند. موسیقی فولکلوریک آذربایجان آینه ای است که زیبایی های طبیعت را نمایان می سازد.

شیخ صفی الدین اورموی (۱۲۹۴-۱۱۱۲ میلادی) که معرف موسیقی آذربایجانی در تمام دنیا می باشد، برای نخستین بار ۱۲ موعام را به طور سیستماتیک در آورده است. در نوشته ها و پژوهش های عبدالقادر مراغه ای (۱۴۳۴-۱۳۵۳ میلادی) نیز به موعام به طور آشکار برمی خوریم. ثریا آقاویا محقق آثار مراغه ای می نویسد: در پژوهش های مراغه ای برای نخستین بار مفهوم موعام (لاد) و نظریه مربوط به آن توضیح داده شده است.

## مولانا، ترک، فارسی، یا اسلام

یازار: مرتضی شکرزاده ساربانلار

تاکنون درباره نژاد و تبار مولانا، تحقیقات فراوانی انجام پذیرفته است. گروهی به اثبات رسانده اند که وی ترک نبوده و تاجیک بوده است. و عده ای نیز با استناد به برخی از اشعارش سعی کرده اند ترک بودن مولوی را معلوم سازند؛ مثل این رباعی معروف:

بیگانه مگوید مرا، زین گویم،

در شهر شما خانه خود می جویم.

دشمن نی ام ارچند که دشمن رویم

اصلم ترک است اگرچه هندی گویم.

برخی می گویند اگرچه مولانا از تبار ترکان

خوارزمشاهی بوده است، لکن سیه چرده بوده و چهره

ای شبیه تاجیک ها داشته است.

اما واقعیت ماجرا چیست؟

مولانا جلال الدین محمد ابن بهاء الدین محمد بن حسین الخطیبی معروف به مولوی رومی از خوارزمشاهیان بلخ است. وی در سال ۶۰۴ هـ ق در شهر بلخ چشم به جهان گشود و مانند این سینا از ۷ سالگی شروع به آموزش زبان فارسی کرد و آن را خوب آموخت و بعد ها آن را زبان شعر خود ساخت. در اووان کودکی و همراه پدرش بهاء الدین ولد به آسیا صغیر رفت، و در شهر قونیه موطن گزید و در همان شهر به سال ۶۷۲ هـ ق زندگی را بدرود گفت.

بعد از کشته شدن شمس تبریزی مولوی مدت مدیدی سو گوار ماند و یک ربع قرن به زندگی شاعرانه پرداخت و در این مدت دفتر های گرانبار «مثنوی» را سرود، دیوانی به ترکی و دیوانی نیز به فارسی ترتیب داد.



واقعیت آن است که مولوی هیچ گاه تفاخر نژادی ندارد و انسان عاشقی است که زبان باطن می داند و اگر جایی ترک بودن خود را به رخ می کشد و ترک و ترکی را در مقابل هندو و تاجیک قرار می دهد و ترکی ستایی میکند، و تعلق نژادی خود را بر زبان جاری می سازد، در جایی نیز می گوید:

اگر تات سان، اگر روم سان اگر تورک،  
زبان بی زبانان را بیاموز.

و حتی تشبیه های مذهبی و عقیدتی زمان خود را هم نفی می کند، دین خود را دین خدا و ملت (=شریعت) خویش را ملت خدا می داند و خود را از هر گونه قید تباری و نژادی رها می سازد:

ملت عشق از همه دین ها جداست،  
عاشقان را ملت و مذهب خداست.

مرحوم «عبدالباقی گولپینارلی» یکی از پژوهشگران سخت کوش زندگی مولانا، در این باره می گوید: «تحقیق در اصل و نژاد حکیمی چون مولانا که تنها به انسانیت و انسان می اندیشد و هم از این رو به انسانیت وابسته است، تلاشی جز برای محدود ساختن وی در درون چارچوبه ای تنگ نیست، این کار نیز کار ناممکنی است.»

و حتی تشبیه های مذهبی و عقیدتی زمان خود را هم نفی می کند،  
دین خود را دین خدا و ملت (=شریعت) خویش را ملت خدا می داند  
و خود را از هر گونه قید تباری و نژادی رها می سازد:

قایناق: کتاب اشعار ترکی مولوی و ترکی سرایان مکتب شمس و مولوی

ترین پارچه ها هستند. زنان این خطه بیش تر به تهیه ی لباس هایی از جنس ابریشم، ترمه یا مخمل علاقه مند بوده و مردان شان اغلب از پارچه های پشمی لباس بر تن می کنند.

لباس دختران جوان از رنگ های زنده و شاد بوده و زیورآلاتی به آن دوخته شده است؛ ولی زنان سال مند در نوع پوشش خود از لباس هایی با رنگ های ملایم و تزئینات بسیار کمی بهره می بردند. لباس های کودکان آذربایجانی از نظر فرم به انواع بزرگ تر شباهت داشته، تنها از نظر اندازه با آن ها تفاوت دارند. «مخمل برش خورده، پارچه های زرکش و پارچه های جناغی پشمی راه راه، نشانه ی تن پوش های مرغوب تر است، که همگی با نوارهای تزئینی و اغلب با توری های طلا و نقره در سرآستین ها تزئین می شوند. مخمل هنوز هم برای بافت نیم تنه ها مورد پسند عامه است. با وجود این لورکس و سایر ابریشم های مصنوعی، جای پارچه های زربفت و ساتن را گرفته است» (اندروز و اندروز، ۱۳۸۲، ۳۱۲).

منبع: پیام زن - شهریور ماه سال ۱۳۹۳  
شماره ۲۷۰

رنگارنگ، حاشیه دوزی، گلابتون یا چین های زیبا و یا دوختن سکه، همه و همه معرف زبان، شخصیت و منزلت اجتماعی مردمان این منطقه است. پوشاک اینان، نشان دهنده ی ویژگی های هنری، تاریخی، قومی و خلاقیت هایی است که در درون شان منعکس شده و حتی معرف وضعیت تأهل و سن زنان این منطقه است.



**نوع و جنس پوشش زنان آذربایجان**

منطقه آذربایجان انواع مختلفی از پوشاک دارد. در آذربایجان لباس ها علاوه بر تزئینات و تکنیک دوخت شان، با پارچه های به کار رفته نیز خود را نمایان می سازند. فراوانی و ارزانی مواد خام در این سرزمین کهن، موجب شده است تا پارچه بافی با پشم و ابریشم توسعه ی فراوانی داشته باشد. در این منطقه، پارچه هایی همانند ساتن، تافتا، ترمه، موسلین و مخمل، مهم

## لباس زنان آذربایجان، نمادی از هویت ملی است

بازار: میلاد دشتی

در سرزمین پهناور ایران، گروه های متفاوت انسانی با فرهنگ های مختلف در کنار یک دیگر زندگی می کنند. هر گروهی تحت عوامل گوناگونی از جمله اکولوژی منطقه ی خویش، نوع پوشش خاصی را اختیار کرده و تن پوش ویژه ای به تن می کنند که در همان نگاه نخست قومیت، حوزه ی زندگی، زبان و دیگر مشخصات فرهنگی و حتی مذهب و اشتغال های اصلی زندگی آنان را در ذهن نظاره گر تداعی می کند. زنان ترک آذربایجان یکی از شناخته شده ترین این اقوام هستند که پوشاک متفاوتی با دیگر نقاط ایران داشته و نوع پوشش آنان مظهر و نمادی از جامعه و فرهنگ و نماینده ای از اسطوره ها و تاریخ پیشینیان شان است. لباس پوشیدن در فرهنگ ترک ها، تنها لباس ساده پوشیدن نیست، بلکه گویای هزار نکته از تاریخ و فرهنگ دیرین مردمان این منطقه است. لباس ترک ها با انتخاب رنگ و نقوش روی پارچه و تزئین آن با منجوق های





# چیلله گنججه نیز موبارک اولسون



یازار: حسین ترابی / علوم تربیتی

می خورند که به سرمانه بگویند. از جمله خوردنی های طبیعی و قدیمی شب چلله می توان به جويز هالواسی (هلوی گردو)، یترکؤ کو هالواسی (هلوی هویج)، پاخلاوا (باقلاوا)، توخوم (تخمه) و... اشاره کرد. نیز دور کرسی جمع شدن، رفتن به خانه ریش سفید فامیل و "تاپماجالار" (چیستان) و "بایاتی لار" (شعر خوانی) و خوردن هندوانه، از جمله برنامه های مرسوم در این شب است. یننه غمخانه کیمین دیر منه دنیا گنججه لر سن کی یوخسان گؤره سن گؤزلری دریا گنججه لر بیر قارائلیق کوچه دیر، بیر باجادیر، بیرده منم کیم بیلر دردی میزی هممشه، یلدا گنججه لر

شب چلله از عیدهای باستانی ترک ها، و در نگاه وسیع، آسیای کهن می باشد. این نام به زمان بین غروب آفتاب از ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در اول دی ماه (اولین روز زمستان) اطلاق می شود. ایرانیان و بسیاری از دیگر اقوام شب یلدا را جشن می گیرند. این شب در نیمکره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و به همین دلیل از آن زمان به بعد طول روز بیشتر می شود. در این شب باریدن برف باعث شادی و سرور می شود. در این شب اعضای خانواده و اقوام با صمیمیت در یک جا که اجاق طایفه باشد جمع می شوند و این شب طویل را با خوردن آجیل مخصوص، هندوانه، انار، شیرینی و میوه های گوناگون، که هر یک نشانه برکت، تندرستی، فراوانی و شادکامی است، می گذرانند. یکی از مهم ترین آتریبوت های این شب هندوانه است. مردم هندوانه

## زنگان ینمه لی لری



تورش آش: سوغان، نخود، ماش (لویا)، قورواریک، آلچا و گیلنه نار، تره، سایی کؤک، تامسیق اوت (ادویه)، نانا، دوگو، اریشته، اون سوغانی قیزارداریق، قیزارارکن ساری کؤکو تۆکه ریک سونرا قورو نانا و تامسیق اوتو تۆکه ریک سونرا سو تۆکوب ایچینه دوگونو ده تۆکه ریک پیشه، مرجیمک، نخود، ماش، آلچا، اریک و گیلنه ناری بیر گنججه قاباغ ایستاداریق و هر بیر سین آیری قایناداریق و دوگو پیشنده هانمیسن بیر یئرلی تۆکه ریک آشا اونو گرک سویوق سو دا قاریشدریب و آز آز تۆکه تۆکه قاریشدراریق قازانین دییی یانمایا سون ایشیمیز اریشته نی آرتیرماق دیر. آش لوغابلانجان اوت اوسته قالاجاق

✍ غزال وثوق / علوم تربیتی پردیس بنت الهدی صدر قزوین

برای یادگیری زبان ترکی ابتدا باید با الفبای زبان ترکی رو یاد بگیریم. زبان ترکی دارای ۲۳ صامت (بی صدا) و ۹ مصوت (صدادار) است. شش مصوت (آ، ای، او) با زبان فارسی مشترک هستند اما زبان ترکی علاوه بر آن ها ۳ مصوت دیگر نیز دارد: (ا، ی، Ö، یا، او، یا او). مصوت ها در زبان ترکی به دو بخش مصوت های قالدین (پسین) و مصوت های اینجه (پیشین) تقسیم می شود. و از منظر دیگر به مصوت های راست یا دوداقلانمایان و مصوت های گرد یا دوداقلانان تقسیم می شوند. به جدول زیر توجه کنید.

| مصوت ها      | دوداقلانمایان (راست)                            | دوداقلانان (گرد)                    |
|--------------|-------------------------------------------------|-------------------------------------|
| قالدین، پسین | آ، ا (a): آدام، آنا، آلماء، یار                 | ای، ی (i): قیزیل، سیندیر، سیغا      |
| اینجه، نازک  | ا، ه، ه (e): ال، ابهر، نه، نمهنه، کسمجه، اوره ک | او، و (ö): گوز، سوز، دوز، گوی، دورد |
|              | ای، ی (i): ایز، ایش، دیش، بیر                   | او، و (ü): اوز، سوزجو، اوج          |

ضمایر فاعلی و فعلی:

| اول شخص مفرد | دوم شخص مفرد | سوم شخص مفرد | اول شخص جمع | دوم شخص جمع | سوم شخص جمع  |
|--------------|--------------|--------------|-------------|-------------|--------------|
| من           | سن           | او           | بیز         | سیز         | اونلار       |
| منم          | سن سن        | اودور        | بیزیک       | سیز سیز     | اونلار دیلار |

## کلمات رایج در زبان ترکی

مهم ترین نقش تعارف در فرهنگ ما ایجاد نوعی صلح و آرامش است. مکالمات روزمره ما سرشار از تعارفات محبت آمیز می باشد. لذا یکی از ملزومات در یادگیری زبان ترکی است. به تعارفات زیر با موضوع خوش آمد گویی دقت کنید:

خوش گلیب سن (خوش اومدی) جواب: خوش گونون اولسون (روز خوبی داشته باشید)

صفا گتیریب سیز (صفا آوردید)

همیشه سیز گله سیز (همیشه شما بیاید)، خوش گوردوک (خوشحالم از دیدارتون، خوش اومدید)

اوزوزو گوره ک (مشتاق دیدار)، گون هایانندان چیخیب؟، نه یووز؟ (چه عجب؟) یولوزوایتیریب سیز؟ (راه گم کردید؟) کیریخماییب سیز؟ (اشتباهی نشده؟)

اکثرا در جواب این اصطلاحات، «ساغولاسیز» گفته میشود. کتاب «نصاب صادق» به زبان شعر، برای یادگیری زبان و واژگان ترکی برای فارس زبان ها و برای آموزش فارسی برای ترک بان ها پیشنهاد می شود. فایل pdf در سایت [www.aharri.com](http://www.aharri.com) موجود است.

کلمات سوالی: کیم؟ (چه کسی؟)، نه؟ (چی؟)، نمهنه؟ (چه؟)، نه پی؟، نمهنه نی؟ (چه چیزی را؟)، نه یه؟ (برای چه؟)، نییه؟ (چرا؟)، هانسی؟ (کدام؟) هاپان؟، نه واخت؟ (چه وقت؟)، هارا؟ (کجا؟)، نچه؟ (چند؟)، نه جور؟ (چگونه؟)

اصطلاحات رایج: بویورون (بفرماید)، باغیشلایین (بیخشید)، یوخدو (نیست)، واردی (هست)، بوردا (اینجاست)، اورد (آنجاست)، آد (اسم)، گون (روز)، گئجه (شب)، آخشام (عصر)، پالتار (لباس)، انو (خانه)، چؤل (بیرون)

افعال رایج: گلیمک (آمدن)، گندمک (رفتن)، قاجماق (دویدن)، اوتورماق، اگلشمک (نشستن)، دورماق (بلند شدن)، یازماق (نوشتن)، یشمک (خوردن)، ایچمک (نوشیدن)، وورماق (زدن)، باخماق (نگاه کردن)، ائشیمک (شنیدن).

تعارف یا «دیل آغیز» در بین ما ترک ها نشانه محبت و ادب است و



# دکتر فخر

بسمه تعالی

سر کلاس بودم که ناگهان گوشی همراهم به لرزه درآمد، نگاهی انداختم مادرم بود، به یاد نداشتم که به این شکل ناگهانی باینکه میدانست سر کلاس تماس گرفته باشد. از کلاس بیرون رفتم و سراسیمه با مادر تماس گرفتم اما پاسخی نشنیدم. افکاری وحشتناک درونم غوغا کرده بود. دائم به پدر بزرگ فکر میکردم که در بیمارستان بستری بود. اشک چشمانم را حلقه زده بود که نکند پدر بزرگ.... استرس دست و پایم را سست کرده بود که لرزش دوباره گوشی لرزه به تنم انداخت، اما اینبار فضای مجازی، بازهم غفلت، بازهم بازیگوشی و وقت گذراندن های همیشگی...

آنقدر مضطرب بودم که دلم میخواست گوشی را به دیوار بکوبم. حوصله بررسی پیام دریافت شده را نداشتم، باخود میگفتم هر کسی میخواهد باشد و هر چیزی که برایم فرستادن اهمیت ندارد، اولین باری بود که این اندازه نسبت به این وسیله ارتباطی جداکننده انسانها از یکدیگر بی اعتنا بودم. ناگهان باخود گفتم شاید پیغامی از جانب مادر باشد، دیدم عکسی برایم فرستادن و پیغام تبریک که "قدم نو رسیده مبارک". الوین پسرعمویم بدنیا آمده بود. چهره دلشین و نمکین الوین، تمام نگرانی هایم را برای لحظه ای برطرف کرد. درک حال پدر بزرگ و خوشحالی دنیا آمدن الوین برایم تناقضی بزرگ بود. به فکر فرو رفتم و زندگی خودم را میانگین زندگی پدر بزرگ و الوین میدیدم. تابحال چکار کردم؟ چکار مفیدی انجام دادم؟ چه گره ای از کار مردم باز کردم؟ دچار چالشی بزرگ شدم، اشکهای آویزان اقوام برای پدر بزرگ یا اشکهای حلقه زده ی اطرافیان برای بدنیا آمدن الوین، اشک غم یا اشک شادی؟؟؟

بسیار سردرگم و متحیر بودم، منی که سر تا پا غفلت بودم، آنقدر متحول شده بودم که لحظه شماری میکردم الوین را ببینم و در گوشش زمزمه کنم:

ای آمده گریان تو و خندان همه کس وز آمدن تو گشته شادان همه کس

امروز چنان باش که فردا چو روی خندان تو برون روی و گریان همه کس

قلبم آرام گرفت، پدر بزرگ را می شناختم، مردی پاک، که تمام عمر خود را به پاکی و صداقت گذرانده و رنجها کشیده بود. یقین پیدا کردم که اگر قرار است اتفاقی برای پدر بزرگ بیفتد، دوبار ندای "قدم نو رسیده مبارک" زمزمه خواهد شد، یکی در گوش الوین، یکی در گوش پدر بزرگ، یکی از جانب ما، یکی از جانب فرشتگان... آرام شدم و دوباره زندگی را برای خود تعریف کردم: "زندگی حس غریبی است که یک مرغ مهاجر دارد زندگی سوت قطاری است که در خواب پلی میپیچد "زندگی ضرب زمین در ضربان دل ماست"

از آن لحظه به بعد تصمیم گرفتم صحنه یکتای هنرمندی خود را طوری رقم بزنم که بار دیگر، چون لحظه تولد، بشنوم "قدم نو رسیده مبارک"

✍ یازار: سمانه مقیمی / زبان انگلیسی



### ورود آقایان ممنوع!

بعضی موقع ها از این عبارت دلم می گیرد، یعنی تا این حد مردان جامعه ما خطرناک اند؟ یعنی تا این حد بی اعتمادند؟ نمی دانم تفسیر این چند کلمه چیست شاید دست های پشت پرده در این تابلو پنهان است که ما زنان و دختران از آن بی خبریم! بیشتر نگرانی من این است که این ورود ممنوع ها فراتر رود و نتیجه اش بشود هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد! بیشتر نگرانی من از این است که هم جنس هایم در پارک ها در پاساژها در رفت و آمدهای هر روزشان و حتی در خلوت خودشان این تابلوی ورود ممنوع را حک کنند.... کاش به جای تابلوی ورود آقایان ممنوع، بنویسند: "احترام به حقوق زن الزامی است".

یازار: زهرا ایمانی قره آغاجلوی سفلی / دبیری ادبیات



### قیسسا حیکایه و تالکلیل

#### امام حسین (ع) حضرت توری نین قیام ائتمه کدن انگیزه سی

امام (ع) اؤز سؤزلرینده، یزید بن معاویه قاباغیندا دایانیب و قیام ائتمه ک سببین ولید و مروانه بویوردو و مدینه دن چیخاندا وصیت نامه سینده ده قیامین اصلی سببینه، یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» و پیس ایشلرین قاباغین آلماق، یزید و اُموی حؤکمدارلیغی نین اینسان و ایسلام ضدینه اولان تره نیشلرین قاباغین آلماقا اشاره ائدی بویورور: اگر اونلار مندن بیعت ایسته مه سه لرده من دینج اوتورمایاجایم، چونکی منیم اونلار یله ساواشیم یزید یله بیعت ائتمه مه ک اوستونده دئییل کی اونلار من دن بیعت ایسته مه یه لر، و بئله دئییل کی اونلار دینج اولالار و من ده اونلار باخیب دینج اوتورام. بلکه یزیدین و اونون طایفاسی نین اولماغی پیس ایشلرین چوخالماسینا سبب اولور، آنجاق من «امر



به معروف و نهی از منکر» و جدیم پیغمبر (ص) قانونین دیریمه ک اوچون و آتام علی نین یول یؤنده مین دیریمه کدن اؤتور و عدالتی اینصافی یایماغدان اؤتور آیاغاقالخیرام تابنی امیه نین کؤ کون یثراوزوندن قیرام و بوتون دونیا بیلسین کی حسین، مقام و وار یولچوسو دئییل، آراقاتان و شرور دئییل. و بو حالت ایلک گوندن سون چاغ و سون لحظه یه دک امام حسین (ع) حضرت توری نین روحوندا پاریلدایردی و او دونیانین بوتون اوزده خوش اولان ایشلریندن قیریلیب، یالنیز تک بیر تانریا باغلامیشدی.

قایناق: سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، محمد صادق نجمی، ص ۵۴ چثویره ن: الف. عظیمی

« Email: zengandergi@gmail.com

«داستان زندگی خود را برای ما ایمیل کنید تا در نشریه زنان چاپ شود»



# اولوسوز سئوگی

خانیمیدا اودا آلسدیردی و نهایتده بهشت  
قوشو کیمی حق دونیاسینا کؤچدولر. بو  
حیکایهیه عرفانسال باخیشینداندان باخماق  
اولار اونا گؤرهکی کرم بیر عاریف کیمین  
چتینلیکلی باشدان آ شیریر و یولوندا کی  
آداملار اونو یولوندان آز دیرماقدان اولورلار  
آما کرم آلدانمیر اؤز یولون گئدیر. و بو  
یولدا کرمین لهلهسی یعقوب بیر بلدچی  
کیمین اونا یول گوستهریر آما کرم  
یولونون قالانین تک گتتملی اولورو نهایت  
کی سئوگیسینه چاتیر و عشق اودوندا یانیر و  
حق دونیاسینا کؤچور.

زهرایمانی قره آغاجلوی سفلی /  
دانشجوی دبیری ادبیات فارسی

یانلی بیر سئوگی اولور. اونلار اؤز آرارلارندا  
سؤزلشیرلر کی آدلاری اصلی و کرم  
اولسون:

ماحمود ایدیم، کرم قویدو یار آدمی

.....

آدیم نرگیز ایدی، سن قویدون اصلی

آما بو آرادا اصلینین آتاسی کیشیش له  
بییهشیب و ایدن ورمیر کی، اصلی کرم له  
اؤلنسن و باشدیر کؤچمهگه هر اؤلکهییه  
گئدیر کرم تا پیر و نهایت آتاتولی ده او  
شهرین پاشاسنین آرا بؤلجو کی ایله کرمی  
له اصلی ائولنیر آما اصلی نین آتاسی اصلی  
نین توی پالتارین جادو ائدیر. کرم اصلی  
نین توی پالتارینا ال ووردوغجا کرم عشق  
اودونا یانیردی، اود شعله ووراراق، اصلی

کرم لن اصلی نین حیکایه سی، یوز ایلردن  
بری دیل دن دیله گزمهدیدیر. تورک  
خالق ادبیاتینین، ان سچگین داستانلاریندان  
بیری دیر. کرمین اصلی ایله اولان عشقی بیر  
گرچک عشق اولوب و البته افسانه مؤتفی  
ایله بهزهنه بهزهنه بو دورره چاتیلیب.  
ایللرجه دیلدن دیله گزدرن دلیل، بو عشقین  
تراژدیك بیر شکیلده سونا یئتیشمهیسی دیر.  
بو حیکایه صفوی حکومتی چاغیندا گنج  
شهرینده یارانیب دیر. بانارلی تورک معاصر  
آراشدیریراناردان بیری دئیر: «بو حیکایه  
نین بینوره سی بیر موغنی، شعر یازان، و  
سازلا چالشان کرم آدلی یاشامینی یازیب  
دیر بئلهلیکله افسانه دئمک اولمور. حکایه  
بئله دیر: محمود ارمنی نرگیز آدلی بیر قیزا  
وورولور (عاشیق اولور) و بو سئوگی ایکی

## پایاتی

آل کمری بئل باغلا  
ساجلارینا تئل باغلا  
نه یادا سیرینی دئ  
نه نامرده بئل باغلا

فلکین قهری منه  
گلمیری رحمی منه  
دولدورور غم باده سین  
ایچدیریر زهری منه

عزیزیم گونده من  
کؤلگه ده سن گونده من  
ایلدن قربان بیر اولار  
سنه ده قربان گونده من

های سالیرام اویانمیر  
درد و غمه او، یانمیر  
عشق اودونا دوشموشوک  
من یانیرام، اویانمیر

داغ باشیندا ساز منم  
قلبی قارا تار منم  
دئیرلر یار کوسویدو  
بلکه گناهکار منم

بولبول دوشر گول اوسته  
گون دوشر اوزوم اوسته  
دئسه لر یارین گلیر  
سورنم اوزوم اوسته

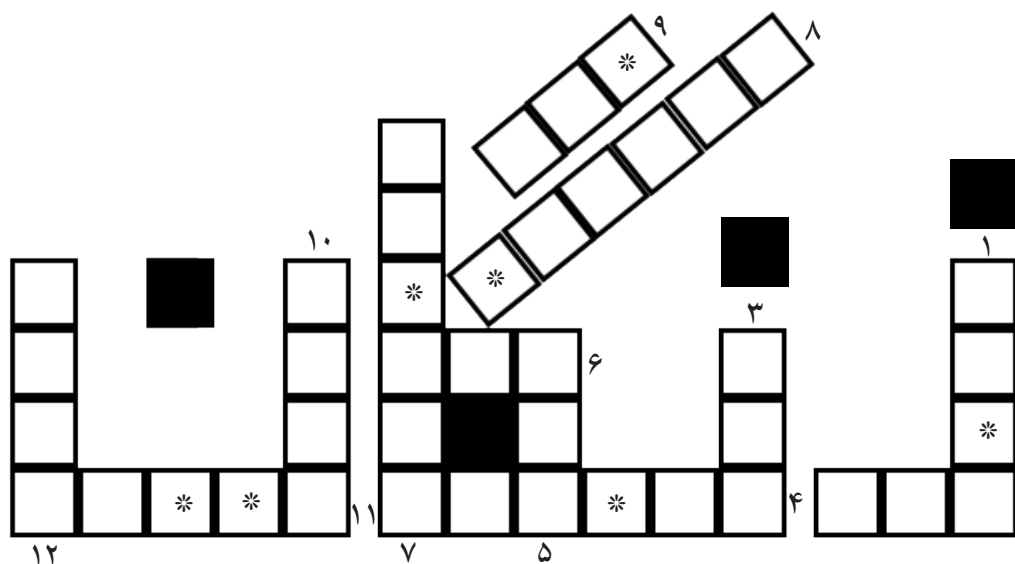


گنجه گوندوز یول گئدر یورولماز؟  
آغاج قوطودو ایچینده دؤرد قارداشی وار؟  
محکم دی داش دئییل  
دؤرد قیچلی دی اینک دئییل  
یومورتا دوغور تویوق دئییل؟  
به افردی که پاسخ درست را ارسال نمایند به قید  
قرعه جوایزی اهدا خواهد شد.  
شماره برای ارسال جواب از طریق پیامک:  
۰۹۳۶۱۹۷۸۸۰۵

## آفالار سؤزو

- آجیقلی باشد اعاقل اولماز
- ائل آتدیغی داشی یتردن ترپتمک اولماز
- ائل قاپیسین آچماغا، سئل کیم بیر گؤج گرک
- الله هر کسین گؤیلونه / اوره گینه گؤره وئرر
- اینک سو ایچر سوت اولار، ایلان سو ایچر زهر اولار
- دیواری نم ییخار، اینسانی غم

## جدول



۱. کتاب مسلمانان
۲. پول یا خلعتی که در عروسی جمع آوری می شود.
۳. ساکت شو
۴. نام قدیمی نقده
۵. خانه ترکی
۶. به رنگ ارغوانی در ترکی می گویند
۷. گریه، زاری
۸. تخلص دکتر حسین محمد زاده صدیق
۹. رودی که صمد بهرنگی را در آن غرق کردند
۱۰. سوغات زنگان
۱۱. از شهر های زنگان
۱۲. قهرمان شاهنامه

به کسانی که رمز جدول را به درستی برای ما ارسال کنند به قید قرعه کتاب هدیه داده می شود.

شماره برای ارسال جواب از طریق پیامک: ۰۹۳۶۱۹۷۸۸۰۵





دېڭىم لار

آغزى ايشده اولماق: دايماً در حال خوردن  
گۆز وئريب، ايشيق وئرمە مەك: امان كسى را بريدن و  
كسى را در تنگنا قرار دادن  
دونياني ايكي اللى توتماق: مدام در فكر مال دنيا بودن  
اينيه دوشمەك: به كسى كه جمله اى را مدام تكرر كند  
مى گويند  
آبريسى نين ساتين آلماق: آبروى كسى را حفظ كردن

دیه ک دئیمیه ک

|              |         |
|--------------|---------|
| لاغ          | مسخره   |
| قایناق       | منبع    |
| دؤنه         | دفعه    |
| درگی         | مجله    |
| سای          | شماره   |
| اؤنملی       | مهم     |
| آماج         | هدف     |
| اؤیرتیم      | آموزش   |
| یانلیش       | اشتباه  |
| قادا         | بلا     |
| ترسه، ترسینه | برعکس   |
| پیس          | بد      |
| قانشار       | روبرو   |
| یاتاق        | خوابگاه |
| قوزئی        | شمال    |
| گؤئی         | جنوب    |
| اؤیرتمن      | معلم    |
| اؤیرنجی      | دانشجو  |

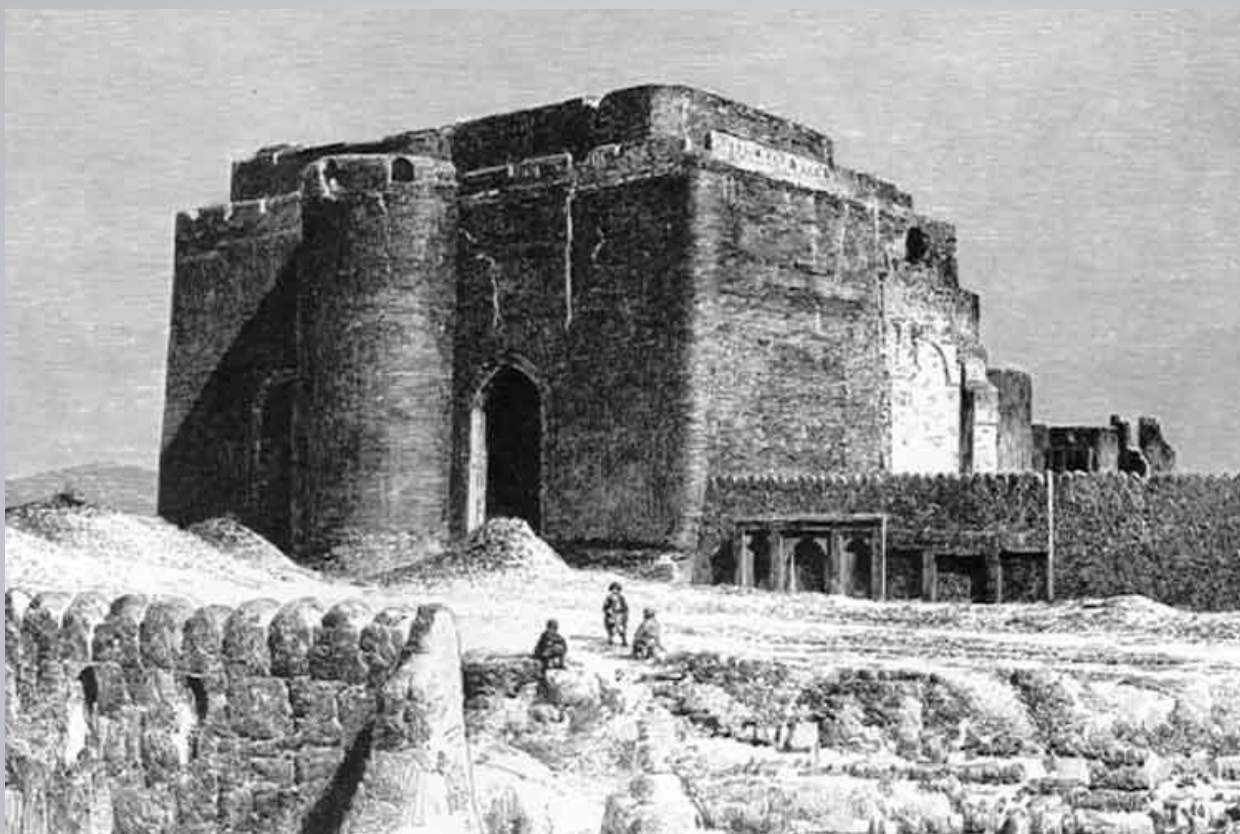
نیایش

آی الله، نجه یاشاماغی، سندن ایسته میرم، نجه  
یاشاتماغی، منه اؤرگد. منجه بویاشاتماق یاشاتماق دان  
اوستون دور؛ نیه کی یاشاتماق تکه منه تانریلاندیریر.  
آنجا یاشاتماق توپلومومو (جامعه) تانریلاندیرماغدا  
اولاجاق ومن بیر آتیلما داشییم (نردان ترقی) منه ده  
بوایش یاشاییش دیر.



(مرتضی شکرزاده)





ارگ‌علیشاه تبریز